# پیش‌بینی حساسیت بین‌فردی بر اساس انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی با میانجی‌گری طلاق عاطفی در زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یاسوج

**تاریخ دریافت: ۱٤۰٤/۸/۸ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۳/۲۳**

**زاهده رحمانیان*[۱] و مینا موحدیان[۲]**

**مقاله پژوهشی**

## چکیده مبسوط

**مقدمه:** حساسیت بین‌فردی یکی از مؤلفه‌های مهم در تعاملات اجتماعی و روابط نزدیک است که با نگرانی نسبت به قضاوت دیگران، ترس از طردشدن، وابستگی عاطفی و واکنش‌پذیری نسبت به روابط بین‌فردی همراه است. این ویژگی، به‌ویژه در روابط زناشویی، می‌تواند بر نحوه ادراک و تفسیر رفتار همسر و کیفیت تعاملات زوجین تأثیر بگذارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حساسیت بین‌فردی با پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی مختلف ارتباط دارد و در برخی شرایط می‌تواند آسیب‌پذیری فرد را در برابر مشکلات ارتباطی افزایش دهد (بویس و پارکر، ۱۹۸۹؛ رازوالیایوا و پولسکایا، ۲۰۲۳). در میان عوامل مرتبط با کیفیت روابط زناشویی، انتظارات زناشویی جایگاه مهمی دارد. انتظارات زناشویی به باورها و تصورات فرد درباره نحوه رفتار همسر، کیفیت رابطه، نقش‌های زوجین و چگونگی تأمین نیازهای عاطفی و ارتباطی اشاره دارد. هنگامی که فاصله میان انتظارات و واقعیت زندگی مشترک افزایش می‌یابد، احتمال نارضایتی و تعارض بیشتر می‌شود. یافته‌های پژوهشی نیز ارتباط انتظارات زناشویی با کیفیت رابطه و طلاق عاطفی را تأیید کرده‌اند (امیدوار و همکاران، ۱۳۸۸؛ رشید و همکاران، ۲۰۲۱). متغیر مهم دیگر، تمایزیافتگی خود است که در نظریه نظام‌های خانواده بوئن جایگاه محوری دارد. تمایزیافتگی به توانایی فرد برای حفظ تعادل میان استقلال عاطفی و ارتباط با دیگران اشاره می‌کند. افراد دارای تمایزیافتگی بیشتر، ضمن حفظ پیوند عاطفی با اعضای خانواده، توانایی بیشتری برای تنظیم هیجان، مدیریت تعارض و تصمیم‌گیری مستقل دارند (بوئن، ۱۹۷۸؛ کالاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲). در مقابل، پایین بودن تمایزیافتگی می‌تواند فرد را در برابر فشارهای عاطفی و تعارضات بین‌فردی آسیب‌پذیرتر کند. طلاق عاطفی نیز وضعیتی است که در آن، اگرچه رابطه رسمی زوجین همچنان برقرار است، صمیمیت، حمایت عاطفی و ارتباط مؤثر میان آنان کاهش می‌یابد. استمرار این وضعیت می‌تواند به افزایش فاصله عاطفی، تنهایی، تعارض و کاهش کیفیت زندگی خانوادگی منجر شود. پژوهش‌ها ارتباط طلاق عاطفی با انتظارات زناشویی و ویژگی‌های فردی و ارتباطی زوجین را نشان داده‌اند (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حبیبی و همکاران، ۱۴۰۱؛ رشید و همکاران، ۲۰۲۱). زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، به دلیل مواجهه هم‌زمان با فشارهای اقتصادی، مسئولیت‌های خانوادگی و چالش‌های روان‌شناختی و اجتماعی، می‌توانند در معرض آسیب‌های مرتبط با روابط بین‌فردی و خانوادگی قرار گیرند. از این رو، با توجه به اهمیت بررسی عوامل مؤثر بر حساسیت بین‌فردی در این گروه از

۱. دکتری روانشناسی، استادیار ، گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. نویسنده مسئول: z.rahmanian@cfu.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد یاسوج، کهگیلویه و بویراحمد، ایران.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی بالینی با عنوان «پیش‌بینی حساسیت بین‌فردی بر اساس انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی با نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج» با کد ۱۶۲۹۰۳۴۹۷است.

CC BY

نظر روان‌شناختی و اجتماعی، پژوهش حاضر درصدد بررسی این مسئله است که آیا انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی می‌توانند حساسیت بین‌فردی زنان تحت پوشش کمیته امداد را پیش‌بینی کنند و طلاق عاطفی ممکن است در این رابطه نقش میانجی داشته باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، پیش‌بینی حساسیت بین‌فردی بر اساس انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی با بررسی نقش میانجی طلاق عاطفی در زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یاسوج بود.

**روش تحقیق:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی–همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یاسوج در سال‌های ۱۴۰۲–۱۴۰۳ بود. از این جامعه، ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. تعیین حجم نمونه با توجه به مباحث مربوط به مدل‌سازی متغیرهای نهفته و معادلات ساختاری انجام شد (دلاور، ۱۴۰۲؛ لوهلین و بوژان، ۲۰۱۷). داده‌ها به صورت ترکیبی از پرسش‌نامه‌های آنلاین، نسخه کاغذی و مصاحبه حضوری جمع‌آوری شد تا امکان مشارکت افراد کم‌سواد یا بی‌سواد نیز فراهم شود. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از: پرسش‌نامه حساسیت بین‌فردی بویس و پارکر (۱۹۸۹)، پرسش‌نامه انتظارات زناشویی امیدوار و همکاران (۱۳۸۸)، مقیاس تمایزیافتگی خود اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن و سیلور (۱۹۹۴). برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی استفاده شد. همچنین، برای بررسی نقش میانجی طلاق عاطفی از آزمون سوبل استفاده شد. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای اس‌پی‌اس‌اس نسخه ۲۵ و اسمارت‌پی‌ال‌اس نسخه ۳ و در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام گرفت.

**یافته‌ها:** بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش نشان داد که تمامی متغیرها با یکدیگر همبستگی مثبت و معنادار دارند. بیشترین ضریب همبستگی بین تمایزیافتگی و انتظارات زناشویی (۰/۸۵۲) و کمترین ضریب همبستگی بین حساسیت بین‌فردی و طلاق عاطفی (۰/۵۰۹) مشاهده شد. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها بین ۰/۷۵۵ تا ۰/۹۲۰ و پایایی ترکیبی بین ۰/۸۴۴ تا ۰/۹۲۸ قرار داشت و مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده برای سازه‌ها بیشتر از ۰/۵۰ بود؛ بنابراین، پایایی، روایی همگرا و روایی واگرای مدل مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، شاخص برازش کلی مدل (GOF=۰/۳۰۶ ) نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل پژوهش بود (شکل ۱).

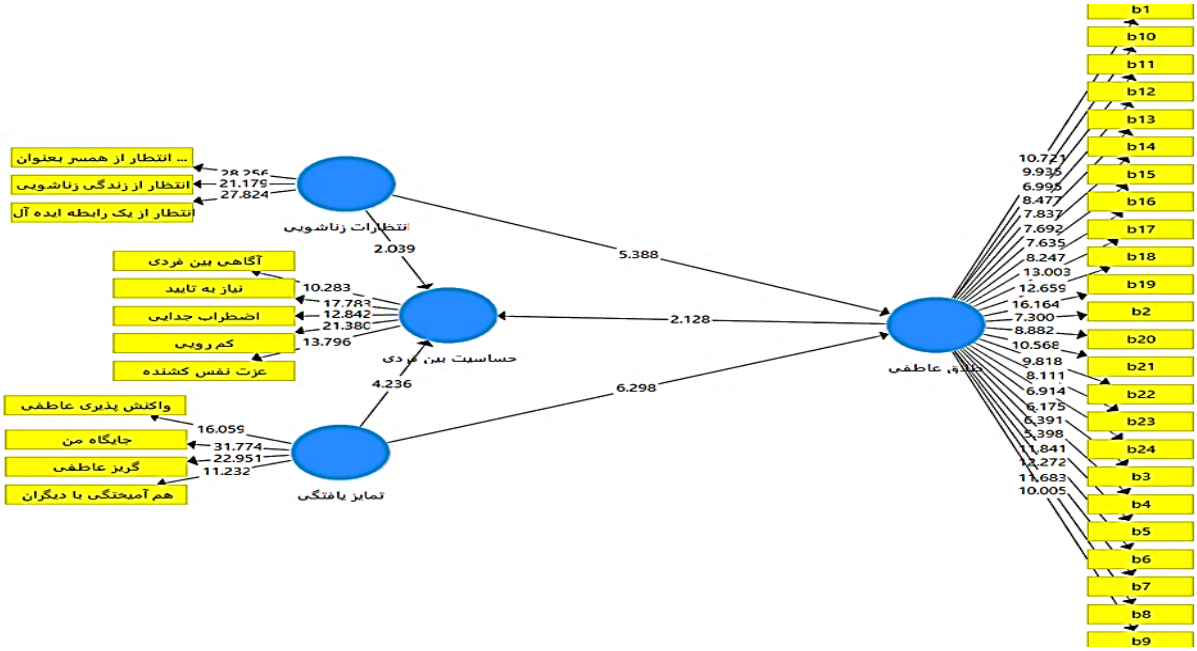


**شکل ۱. مدل نهایی پژوهش**

نتایج مدل ساختاری در جدول ۱ نشان داد انتظارات زناشویی اثر مستقیم و معناداری بر حساسیت بین‌فردی دارد (β=۰/۱۸۲، t=۲/۰۳۹). همچنین، تمایزیافتگی نیز اثر مستقیم و معناداری بر حساسیت بین‌فردی نشان داد (β=۰/۳۳۵، t=۴/۲۳۶). آزمون سوبل نیز نقش میانجی طلاق عاطفی را تأیید کرد. اثر غیرمستقیم انتظارات زناشویی بر حساسیت بین‌فردی از طریق طلاق عاطفی برابر با ۰/۰۶۱ و اثر غیرمستقیم تمایزیافتگی بر حساسیت بین‌فردی از طریق طلاق عاطفی برابر با ۰/۰۶۵ بود. اثر کل انتظارات زناشویی ۰/۲۴۳ و اثر کل تمایزیافتگی ۰/۴۰۰ به دست آمد.

**جدول ۱. تحلیل نتایج فرضیه‌های پژوهش**

| فرضیه | نوع تأثیر/رابطه | ضریب مسیر | آماره تی/سوبل | سطح معناداری | تأثیر مستقیم | تأثیر غیرمستقیم | تأثیر کل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | انتظارات زناشویی ← حساسیت بین‌فردی | ۰/۱۸۲ | ۲/۰۳۹ | — | ۰/۱۸۲ | ۰/۰۶۱ | ۰/۲۴۳ |
| ۲ | تمایزیافتگی ← حساسیت بین‌فردی | ۰/۳۳۵ | ۴/۲۳۶ | — | ۰/۳۳۵ | ۰/۰۶۵ | ۰/۴۰۰ |
| ۳ | انتظارات زناشویی ← حساسیت بین‌فردی (با میانجی طلاق عاطفی) | — | ۱/۹۷۹ | ۰/۰۴۷ | ۰/۱۸۲ | ۰/۰۶۱ | ۰/۲۴۳ |
| ۴ | تمایزیافتگی ← حساسیت بین‌فردی (با میانجی طلاق عاطفی) | — | ۲/۰۱۶ | ۰/۰۴۳ | ۰/۳۳۵ | ۰/۰۶۵ | ۰/۴۰۰ |

**بحث و نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش نشان دادند که انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی هر دو از پیش‌بین‌های معنادار حساسیت بین‌فردی در زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یاسوج هستند. این یافته با مطالعاتی که بر نقش انتظارات زناشویی در کیفیت روابط زوجین و طلاق عاطفی تأکید کرده‌اند، همسو است (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۱؛ خانمحمدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رشید و همکاران، ۲۰۲۱). در تبیین این یافته می‌توان گفت هنگامی که انتظارات فرد از زندگی مشترک با تجربه واقعی او فاصله زیادی داشته باشد، احتمال تجربه ناکامی، تعارض و ارزیابی منفی رابطه افزایش می‌یابد. چنین شرایطی ممکن است فرد را نسبت به رفتار همسر و واکنش‌های بین‌فردی حساس‌تر کند. در مقابل، برخورداری از انتظارات واقع‌بینانه‌تر می‌تواند زمینه تعامل سازنده‌تر و سازگاری بیشتر با واقعیت‌های زندگی مشترک را فراهم سازد. اثر مستقیم تمایزیافتگی بر حساسیت بین‌فردی نیز نشان می‌دهد ظرفیت فرد برای حفظ استقلال هیجانی و تنظیم عواطف در روابط نزدیک اهمیت دارد. این نتیجه با دیدگاه بوئن و مطالعات جدید درباره تمایزیافتگی همخوان است که بر نقش این سازه در تنظیم هیجان، مدیریت تعارض و کیفیت روابط خانوادگی تأکید دارند (بوئن، ۱۹۷۸؛ کالاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲؛ کالاتا و مروز، ۲۰۲۳). یافته مهم دیگر پژوهش، تأیید نقش میانجی طلاق عاطفی بود. به این معنا که انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی نه‌تنها به صورت مستقیم با حساسیت بین‌فردی ارتباط داشتند، بلکه بخشی از این ارتباط از طریق طلاق عاطفی منتقل می‌شد. بر این اساس، افزایش فاصله عاطفی در رابطه زوجین می‌تواند یکی از سازوکارهای ارتباط عوامل فردی و زناشویی با حساسیت بین‌فردی باشد. این نتیجه با پژوهش‌هایی که طلاق عاطفی را با انتظارات زناشویی و متغیرهای مرتبط با تمایزیافتگی مرتبط دانسته‌اند، همسو است (علیجانی و همکاران، ۱۴۰۱؛ خسروی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رشید و همکاران، ۲۰۲۱).

در مجموع، نتایج پژوهش بر ضرورت توجه هم‌زمان به عوامل فردی و رابطه‌ای تأکید می‌کند. آموزش مهارت‌های ارتباطی، تقویت تمایزیافتگی، اصلاح انتظارات غیرواقع‌بینانه درباره زندگی مشترک و شناسایی زودهنگام نشانه‌های طلاق عاطفی می‌تواند در برنامه‌های مشاوره‌ای و حمایتی زنان تحت پوشش نهادهای حمایتی مورد توجه قرار گیرد. با این حال، به دلیل استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، ماهیت مقطعی پژوهش و احتمال تأثیر عوامل کنترل‌نشده بر پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از نمونه‌گیری تصادفی و طرح‌های طولی استفاده شود و نقش متغیرهایی مانند حمایت اجتماعی، وضعیت اقتصادی، سلامت روان و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نیز بررسی شود. همچنین،

اجرای مطالعات مداخله‌ای برای ارزیابی اثربخشی آموزش تمایزیافتگی، مهارت‌های ارتباطی و مدیریت انتظارات زناشویی می‌تواند به توسعه برنامه‌های کاربردی کمک کند.

درنتیجه، بر اساس یافته‌های پژوهش، انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی از عوامل مرتبط با حساسیت بین‌فردی زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یاسوج هستند و طلاق عاطفی در رابطه میان این متغیرها و حساسیت بین‌فردی نقش میانجی معناداری دارد. بنابراین، مداخلات روان‌شناختی و مشاوره‌ای با تمرکز بر افزایش تمایزیافتگی، ایجاد انتظارات واقع‌بینانه از زندگی زناشویی، تقویت مهارت‌های ارتباطی و پیشگیری از گسترش فاصله عاطفی می‌تواند در ارتقای کیفیت روابط و سلامت روان این گروه مؤثر باشد.

**کلیدواژه‌ها:** انتظارات زناشویی، تمایزیافتگی، طلاق عاطفی، حساسیت بین‌فردی.

## چکیده

**مقدمه:** زنان سرپرست خانوار در مناطق محروم به دلیل مشکلات اقتصادی و روان‌شناختی، بیش از دیگران در معرض طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی قرار دارند. هدف از پژوهش حاضر تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی با نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی بر حساسیت بین‌فردی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج بود.

**روش:** این پژوهش کاربردی و از نوع توصیفی – همبستگی و معادلات ساختاری است که با نمونه‌گیری در دسترس، روی ۲۰۰ زن تحت حمایت کمیته امداد یاسوج در سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳ انجام شده است که از روش همبستگی، تحلیل مسیر و آزمون سوبل استفاده شد. در پژوهش حاضر از ابزارهای پرسش‌نامه حساسیت بین‌فردی بایس و پارکر (۱۹۸۹)، پرسش‌نامه انتظارات زناشویی امیدوار و همکاران (۱۳۸۸)، پرسش‌نامه تمایزیافتگی اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) و پرسش‌نامه طلاق عاطفی گاتمن و سیلور (۱۹۹۴) استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج تحلیل مسیر نشان داد که انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی تأثیرات معنادار مستقیم و غیرمستقیمی بر حساسیت بین‌فردی زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج دارند. بعلاوه، طلاق عاطفی در رابطه بین انتظارات زناشویی و حساسیت بین‌فردی نقش میانجی معناداری دارد (اثر غیرمستقیم=۰/۰۶۱، اثر کل=۰/۲۴۳، p<۰/۰۵). همچنین، طلاق عاطفی میانجی‌گر رابطه بین تمایزیافتگی و حساسیت بین‌فردی نیز بود (اثر غیرمستقیم=۰/۰۶۵، اثر کل=۰/۴۰۰) و این میانجی‌گری با آماره سوبل ۲/۰۱۶ تأیید شد (p<۰/۰۵).

**نتیجه‌گیری:** بنابراین، تقویت تمایزیافتگی و تعدیل انتظارات زناشویی با کاهش طلاق عاطفی، موجب بهبود روابط و حساسیت بین‌فردی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. کیفیت روابط زناشویی حاصل تعامل عوامل فردی، بین‌فردی و سیستمی است و مداخلات روان‌شناختی باید رویکردی یکپارچه داشته باشند.

**کلیدواژه‌ها:** انتظارات زناشویی، تمایزیافتگی، طلاق عاطفی، حساسیت بین‌فردی.

# Prediction of Interpersonal Sensitivity Based on Marital Expectations and Differentiation, With the Mediating Role of Emotional Divorce, Among Women Supported by the Imam Khomeini Relief Foundation in Yasuj

**Received: 2025/10/29 Accepted: 2026/6/14**

**Zahedeh Rahmanian[1*] & Mina Movahedian[2]**

**Original Article**

**Abstract**

**Introduction:** Female-headed households in underprivileged areas, due to economic and psychological hardships, are more vulnerable to emotional divorce and marital conflicts than others. The present study aimed to examine the direct and indirect effects of matrimonial expectations and differentiation on interpersonal sensitivity, with emotional divorce playing a mediating role, among women supported by the Imam Khomeini Relief Foundation in Yasuj.

**Method:** This applied research employed a descriptive-correlational design and structural equation modeling. Using convenience sampling, 200 women supported by the Yasuj branch of the Imam Khomeini Relief Foundation were selected during the years 2023–2024. Data were analyzed using correlation methods, path analysis, and the Sobel test. The instruments used in this study included the Interpersonal Sensitivity Measure (Boyce & Parker, 1989), the Marital Expectations Questionnaire (Omidvar et al., 2009), Differentiation of Self Inventory (Skowron & Friedlander, 1998), and the Emotional Divorce Questionnaire (Gottman & Silver, 1994).

**Findings:** The path analysis results indicated that marital expectations and differentiation had both significant direct and indirect effects on the interpersonal sensitivity of women supported by the Imam Khomeini Relief Foundation in Yasuj. Moreover, emotional divorce significantly mediated the relationship between marital expectations and interpersonal sensitivity (indirect effect = 0.061, total effect = 0.243, $p < 0.05$). Emotional divorce also mediated the relationship between differentiation and interpersonal sensitivity (indirect effect = 0.065, total effect = 0.400), and this mediation was confirmed by a Sobel test statistic of 2.016 ($p < 0.05$).

**Conclusion:** Therefore, enhancing differentiation and moderating marital expectations can improve interpersonal sensitivity among female-headed households by reducing emotional divorce. The quality of marital relationships results from the interplay of individual, interpersonal, and systemic factors, and psychological interventions should adopt an integrated approach.

**Keywords:** Marital Expectations, Differentiation, Emotional Divorce, Interpersonal Sensitivity.

1. Ph.D. in Psychology, Assistant Professor, Department of Psychology Education and Counseling, Faculty of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Corresponding author: z.rahmanian@cfu.ac.ir
2. M.A. in Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, Iran. Email: mina2023movahedian@gmail.com

## مقدمه

اهمیت و جایگاه زنان در هر کشور از شاخص‌های اساسی توسعه‌یافتگی آن محسوب می‌شود (میری، قاسمی، کدخدا، خسروی، خسروی چاهک، صفاری، ۱۴۰۳). در این میان، زنان سرپرست خانوار به دلیل تنوع نقش‌هایی مانند تأمین معیشت غیررسمی، به‌سختی قابل‌تعریف هستند و معمولاً با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه‌اند. این گروه که عمدتاً به علت طلاق، فوت، اعتیاد یا ناتوانی همسر به سرپرستی خانواده روی آورده‌اند، اغلب به حمایت‌های مستمر و محدود نهادهایی مانند کمیته امداد وابسته‌اند و در زمره اقشار آسیب‌پذیر جامعه قرار دارند (خطیبی و خدرایی، ۱۴۰۴)؛ چراکه طلاق همراه با تنش خانوادگی، مشکلات روانی – رفتاری متعددی برای زنان مطلقه ایجاد می‌کند (ایزدی، طهمورسی، حسین‌زاده تقوایی، صفاری‌نیا و قراملکی، ۱۴۰۴) و کمیته امداد می‌تواند با ارتقای امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی، کیفیت زندگی این زنان را بهبود بخشد (نامنی و صالحی، ۱۴۰۳).

در کنار چالش‌های بیرونی، این زنان با مؤلفه‌های روان‌شناختی خاصی نیز روبه‌رو هستند. یکی از ویژگی‌های بارز زنان سرپرست خانوار، حساسیت بین‌فردی است که به‌صورت آگاهی و واکنش بیش از حد نسبت به رفتار و احساسات دیگران نمود می‌یابد (زکی‌خانی، شیرالی نیا و عباس‌پور، ۱۴۰۳). این ویژگی معمولاً با احساساتی مانند بی‌کفایتی، خودکم‌بینی و برداشت‌های منفی مکرر از کنش‌های اجتماعی همراه است (رزوالیوا و پولسکایا[1]، ۲۰۲۳). افراد دارای این ویژگی به دلیل ترس از طرد و انتقاد، خود را در روابط سرکوب کرده و به دنبال تأیید دیگران هستند که این امر منجر به روابط ناکارآمد، انزوا، بی‌اعتمادی و افسردگی می‌شود (برادران، میرزایی ملاطی، پارسامهر و طهماسبی، ۱۴۰۰). در چارچوب نظریه دلبستگی، منشأ این حساسیت به طرد به تعاملات اولیه مادر–کودک بازمی‌گردد و می‌تواند تا بزرگسالی ادامه یابد؛ این موضوع ممکن است به نارضایتی زناشویی، حسادت، کنترل‌گری و رفتارهای خصمانه نیز منجر شود (ویسوالینگام، مگسون، نیوینز، و نوربرگ[2]، ۲۰۲۴).

یکی از حوزه‌هایی که حساسیت بین‌فردی در آن تأثیرگذار است، روابط زناشویی است. در این زمینه، «انتظارات زناشویی» به‌عنوان ساختارهای ذهنی و شناختی درباره نقش‌ها و تعاملات زوجی، نقشی تعیین‌کننده در رضایت یا نارضایتی از رابطه دارند (کلیپر[3]، ۲۰۲۰؛ رجبی و خان‌زاده، ۱۴۰۰). تحقیقات نشان می‌دهند که ناسازگاری انتظارات با واقعیت می‌تواند منجر به کاهش رضایت، سردی عاطفی و حتی طلاق عاطفی شود (هو، جیانگ و ونگ[4]، ۲۰۱۹). افراد با ویژگی‌های هیجانی بارز، بیشتر در معرض انتظارات غیرواقعی قرار می‌گیرند که خود عامل تعارض و کاهش رضایت است (رشید، امر و فهد[5]، ۲۰۲۱). در نهایت، فاصله میان انتظارات و واقعیت زندگی مشترک می‌تواند منجر به سرخوردگی و افت کیفیت رابطه شود (نگوتی[6] و همکاران، ۲۰۲۲).

در همین راستا، «طلاق عاطفی[7]» نوعی گسست روانی، عاطفی و ارتباطی میان زوجین است که باوجود تداوم رسمی ازدواج، زندگی مشترک را از معنا تهی می‌سازد و با کاهش صمیمیت، احساس تنهایی در کنار همسر، تداوم تعارضات حل‌نشده و نبود رابطه جنسی معنادار همراه است (رئیسی، قاسمی و سالاری‌فر، ۱۴۰۲). در میان زنان سرپرست خانوار، این پدیده به شکلی عمیق‌تر نمود می‌یابد. فقدان حمایت عاطفی و مشارکت همسر منجر به افت شدید رضایت زناشویی می‌شود، به‌گونه‌ای که ۴۰/۵٪ از زنان متأهل غیرمطلقه در معرض این نوع طلاق، رضایت بسیار پایینی را تجربه می‌کنند (مهرابی، هاشم زهی و رونقی نوتاش، ۱۴۰۱). ازسوی‌دیگر، بار مضاعف مسئولیت‌ها موجب بروز افسردگی، فرسودگی روانی و کاهش سلامت معنوی می‌شود (خسروی، کربلایی

1. Razvaliaeva, & Polskaya
2. Visvalingam, Magson, Newins, & Norberg
3. Klipper
4. Hou, Jiang, Wang,
5. Rasheed, Amr, Fahad
6. Ngo-Thi
7. emotional divorce

هرفته، و فردین، ۱۴۰۳) و مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری یا بدهی همسر نیز این بحران را تشدید می‌کند (مصلایی‌راد و ملکیان، ۱۴۰۲). شیوع بالای طلاق عاطفی در زنان غیرمطلقه (۵۹/۵ ٪) به‌ویژه در زنان سرپرست خانوار (مهرابی و همکاران، ۱۴۰۱) حائز توجه است.

این در حالی است که بهبود صمیمیت زناشویی در زنان متأهل نیازمند تقویت مهارت‌های تحمل پریشانی و تمایزیافتگی است (گنجیان، مردانی و ذاکری نصرآبادی، ۱۴۰۴). لذا، به‌منظور درک بهتر چرایی و چگونگی بروز این وضعیت، باید به مفهوم «تمایزیافتگی[1]» در نظریه بوئن[2] توجه کرد. این ویژگی به توانایی فرد در حفظ مرزهای روانی و استقلال فکری–عاطفی در روابط اشاره دارد و یکی از عوامل کلیدی در سلامت روان و دوام روابط زناشویی به شمار می‌رود (کلاتراوا، مارتینز، شوئرکولینز، داچ‌سبالوس، و رودریگوز–گنزالز[3]، ۲۰۲۲؛ کرامر[4] و همکاران، ۲۰۲۲). سطوح پایین تمایزیافتگی با وابستگی عاطفی، اضطراب و آسیب‌پذیری روانی همراه است (کلاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲). این ویژگی می‌تواند زمینه‌ساز طلاق عاطفی و حساسیت بین‌فردی شود.

نگاه نظری به این متغیرها نیز حاکی از پیوند عمیق میان آن‌هاست. بر اساس نظریه نگاه نظری به این متغیرها نیز حاکی از پیوند عمیق میان آن‌هاست. بر اساس نظریه بایس و پارکر[5] (۱۹۸۹)، حساسیت بین‌فردی نوعی واکنش افراطی به بازخوردهای اجتماعی و ترس از طرد تلقی می‌شود (بیلینگ[6]، ۲۰۲۰). همچنین، از منظر روان‌کاوی و نظریه دلبستگی، روابط زناشویی در بزرگسالی بازتابی از تعاملات اولیه با والدین است که سبک‌های دلبستگی را شکل می‌دهد (محمدی، ۱۳۹۸؛ محمدیان، بهرامی، گودرزی و صادقی، ۱۳۹۸). نظریه بوئن نیز طلاق عاطفی را میانجی بین تمایزیافتگی پایین و انتظارات غیرواقع‌بینانه می‌داند (حبیبی، شیرمردی، شیرالی نیا و فتحی، ۱۴۰۱). در چارچوب نظریه‌های اجتماعی مانند کنش متقابل نمادین و مثلث عشق استرنبرگ[7] نیز، نحوه ادراک روابط و تفسیر تعاملات نقش کلیدی در دوام رابطه دارد (محمدی، ۱۳۹۸).

یافته‌های پژوهش‌های تجربی، نقش مؤلفه‌هایی مانند انتظارات زناشویی، تمایزیافتگی و حساسیت بین‌فردی را در کیفیت روابط زناشویی و بروز طلاق عاطفی نشان می‌دهند. در زمینه انتظارات زناشویی، حبیبی و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر مستقیم آن بر طلاق عاطفی را گزارش کردند. همچنین، خان‌محمدی، بزازیان، امیری مجد و قمری (۱۳۹۷) به رابطه معکوس بین این متغیر و طلاق عاطفی اشاره کرده‌اند که از طریق عملکرد خانواده نیز قابل تأثیر است. رشید، عمرو و فهد[8](۲۰۲۱) نیز نشان دادند انتظارات زناشویی بالا، همراه با خودکارآمدی، می‌تواند طلاق عاطفی را پیش‌بینی کند. درارتباط‌با تمایزیافتگی، علیجانی، نجفی و نظری (۱۴۰۱) گزارش دادند که این متغیر همراه با سرمایه روان‌شناختی، ۳۰٪ از واریانس طلاق عاطفی زنان را تبیین می‌کند. خسروی و همکاران (۱۴۰۰) دل‌زدگی زناشویی را به‌عنوان میانجی میان تمایزیافتگی و گرایش به طلاق عاطفی معرفی کردند. همچنین، کلتا و مروز[9] (۲۰۲۳) نقش تمایز خود را در کاهش اضطراب، افزایش بخشش و مدیریت تعارضات زناشویی برجسته دانسته‌اند. در خصوص حساسیت بین‌فردی، پورمحسنی کلوری و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که این متغیر همراه با اضلاع مدل سه‌گانه خانواده، می‌تواند روابط و آشفتگی‌های زناشویی را پیش‌بینی کند. هرچند امینی و آزرمی (۱۴۰۲) نقش میانجی آن را میان پیوند والدینی و عملکرد جنسی رد کردند، اما اثر مستقیم آن بر عملکرد جنسی بزرگسالان را تأیید نمودند. در مجموع، این یافته‌ها

1. differentiation of self
2. Bowen
3. Calatrava, Martins, Schweer-Collins, Duch-Ceballos, & Rodríguez-González
4. Kramer
5. Bice &Parker
6. Bilgin
7. Sternberg
8. Rasheed, Amr & Fahad
9. Kaleta & Mróz

حاکی از آن‌اند که انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی از جمله پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی طلاق عاطفی محسوب می‌شوند که از طریق تعاملات زوجین، بر حساسیت بین‌فردی نیز اثرگذارند. از این‌رو، بررسی هم‌زمان این متغیرها در قالب یک مدل علّی–پیش‌بینی، برای مطالعات نظری و کاربردی در روان‌شناسی خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد.

براین‌اساس، زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی، به‌ویژه در مناطق محرومی مانند یاسوج، با مشکلاتی از جمله فقر، نبود حمایت عاطفی و سطح پایین تمایزیافتگی روبه‌رو هستند؛ ازاین‌رو، احتمال بروز طلاق عاطفی و حساسیت بین‌فردی در آن‌ها بالا است. وجود انتظارات زناشویی غیرواقع‌بینانه نیز بر پیچیدگی این وضعیت می‌افزاید. در نتیجه، پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط بین متغیرهای مذکور، درصدد است با ارائه مدلی ساختاری، زمینه طراحی مداخلات آموزشی و روان اجتماعی را برای کاهش طلاق عاطفی و بهبود سلامت روان زنان سرپرست خانوار فراهم آورد (شکل ۱). فرضیه اصلی این پژوهش آن است که انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی با نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی، بر حساسیت بین‌فردی اثر مستقیم و غیرمستقیم دارند . فرضیه‌های اختصاصی باتوجه‌به پیشینه عبارت‌اند از: ۱–انتظارات زناشویی بر حساسیت بین‌فردی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج اثر مستقیم دارد. ۲–تمایزیافتگی بر حساسیت بین‌فردی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج اثر مستقیم دارد. ۳–انتظارات زناشویی با نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی بر حساسیت بین‌فردی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج اثر غیرمستقیم دارد. ۴–تمایزیافتگی با نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی بر حساسیت بین‌فردی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج اثر غیرمستقیم دارد.

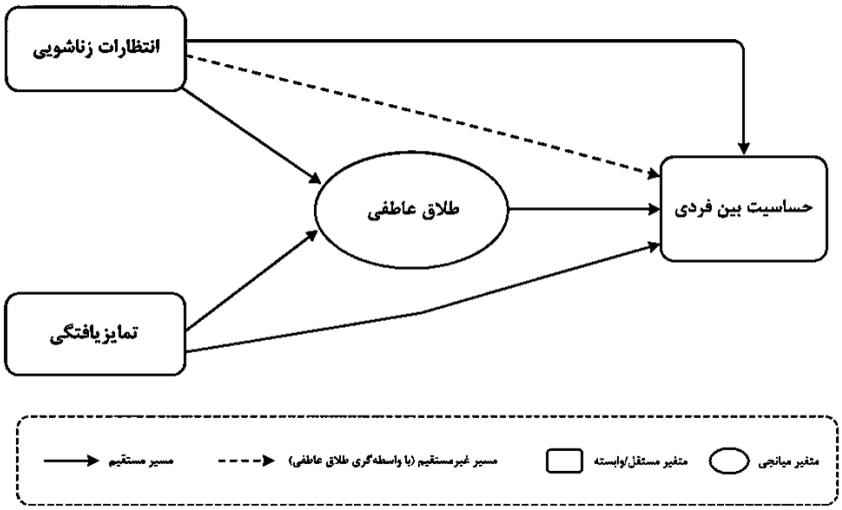


**شکل ۱–مدل مفهومی اولیه پژوهش**

## روش

### الف – طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر برحسب هدف، کاربردی و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج در محدوده زمانی سال ۱۴۰۲– ۱۴۰۳ است. باتوجه‌به ضرورت وجود حداقل تعداد نمونه ۱۰۰ نفر در پژوهش‌های توصیفی (دلاور، ۱۴۰۲) و در روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری لوهلین (۲۰۱۷) که حجم نمونه مطلوب را ۲۰۰ نفر بیان کردند، به روش نمونه‌گیری در دسترس حجم نمونه ۲۰۰ نفری انتخاب شد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی با استفاده ازپرسش‌نامه بود. معیارهای ورود به پژوهش شامل گذشت حداقل یک

سال از زندگی مشترک زوجین، نداشتن اختلالات روانی شدید بر اساس خوداظهاری، و تمایل به مشارکت در پژوهش بود. همچنین، ملاک‌های خروج از مطالعه شامل انصراف از ادامه همکاری با محقق و ناقص یا نادرست بودن پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده توسط شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شد. به عبارت دیگر، پس از دریافت معرفی‌نامه از دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج و ارائه آن به کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج، لیست مشخصات زنان سرپرست خانوار از این کمیته اخذ شد. با توجه به محدودیت‌هایی نظیر عدم دسترسی به گوشی هوشمند، مشکلات ارتباطی و سایر موانع، پژوهش به صورت تک‌مرحله‌ای و با روش نمونه‌گیری در دسترس انجام گرفت. اجرای پژوهش به دو شیوه آنلاین و مدادی-کاغذی صورت پذیرفت. پس از رعایت ملاحظات اخلاقی شامل تأکید بر محرمانگی اطلاعات، تضمین رازداری، اختیار کامل شرکت‌کنندگان و تعهد به ارائه نتایج در صورت تمایل، پرسش‌نامه‌ها در اختیار نمونه آماری قرار داده شد. برای زنان بی‌سواد یا کم‌سواد، داده‌ها از طریق مصاحبه جمع‌آوری گردید. شرکت تمامی آزمودنی‌ها با رضایت کامل و آگاهی از اهداف پژوهش انجام شد. به منظور حفظ حریم خصوصی، داده‌ها به صورت ناشناس و با کدهای شناسایی تحلیل شدند و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده خواهد شد.

## ب-ابزار

**پرسش‌نامه انتظارات زناشویی[1]:** این پرسش‌نامه که توسط امیدوار، فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۸۸) طراحی شده، شامل ۳۲ سوال است و با استفاده از طیف لیکرت از همیشه (۵) تا اصلاً (۱) نمره‌گذاری می‌شود. حداقل و حداکثر نمره ۳۲ تا ۱۶۰ است. این پرسش‌نامه در سه دسته‌بندی اصلی قرار می‌گیرد: ۱-انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی (سوالات ۱، ۴، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۳۰، ۳۲)؛ ۲-انتظار از زندگی زناشویی (سوالات ۳، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹)؛ ۳-انتظار از یک رابطه ایده‌آل (سوالات ۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۳۱). ضریب اعتبار این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰.۸۰ به‌دست آمد (امیدوار، فاتحی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۸). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از حیطه‌های فوق به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۵، ۰/۹۳، و برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۴ به دست آمد.

**پرسش‌نامه حساسیت بین‌فردی[2]:** این پرسش‌نامه توسط بایس و پارکر (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری حساسیت به طرد اجتماعی و حساسیت بین‌فردی طراحی شده است و شامل ۳۶ سؤال و پنج زیرمقیاس است: آگاهی بین‌فردی[3]، نیاز به تأیید[4]، اضطراب جدایی[5]، کمرویی[6]، و عزت‌نفس شکننده[7]. نمره کل این پرسش‌نامه نشان‌دهنده میزان حساسیت بین‌فردی فرد است که می‌تواند از ۰ تا ۱۴۴ باشد. نمرات بالاتر به معنای حساسیت بین‌فردی بالاتر و نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده حساسیت پایین‌تر است. بایس و پارکر (۱۹۸۹) آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین فردی ۰/۷۶، نیاز به تائید ۰/۵۵، اضطراب جدایی۰/۶۷، کمرویی ۰/۶۳ ، عزت نفس شکننده ۰/۵۹ و کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آوردند. همچنین آنها روایی همزمان این آزمون را با آزمون قضاوت بالینی حساسیت بین فردی برابر ۰/۷۲ برآورد نمودند که نشانگر روایی همزمان بالای این پرسشنامه است. در ایران آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش خرم‌نیا، طاهری، محمدپور، فروغی، کریم‌زاده (۱۴۰۰) برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین‌فردی ۰/۷۰، نیاز به تأیید ۰/۵۱، اضطراب جدایی ۰/۵۸، کمرویی ۰/۵۸ و عزت نفس شکننده ۰/۷۰ و کل مقیاس ۰/۸۶ به

1. Marital Expectations Questionnaire
2. Interpersonal Sensitivity Measure (IPSM)
3. Interpersonal Awareness
4. Need for Approval
5. Separation Anxiety
6. Timidity
7. Fragile Inner-Self

دست آمد و روایی داخلی آن مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۴ و برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین‌فردی ۰/۷۰، نیاز به تأیید ۰/۵۱، اضطراب جدایی ۰/۵۸، کمرویی ۰/۵۸، عزت نفس شکننده ۰/۷۰ به‌دست آمد.

**مقیاس تمایزیافتگی خود [1]:** این مقیاس توسط اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) با ۴۶ سوال ساخته شد که بر روی افراد، روابط معنادارشان و روابط فعلی آنان با خانواده اصلی متمرکز است و چهار خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی (۱۱ سؤال)، جایگاه من (۱۱ سؤال)، گریز عاطفی (۱۲ سؤال) و هم‌آمیختگی با دیگران (۱۲ سؤال) است. در پژوهش پاشاشریفی، معنوی‌پور و عسکری (۱۳۹۳) روی ۴۲۳ دانشجوی تهران، پایایی کل پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۷ گزارش شد و پایایی خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب برای گریز عاطفی ۰/۷۵۴، واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۶۹۰، هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۵۵۷ و جایگاه من ۰/۵۵۷ به دست آمد. همچنین روایی سازه از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس تأیید شد و چهار عامل استخراج‌شده در مجموع ۳۲٪/۴۶ از واریانس کل را تبیین کردند (پاشاشریفی و همکاران، ۱۳۹۳).

**پرسش‌نامه طلاق عاطفی [2]:** پرسش‌نامه طلاق عاطفی (EDS) توسط گاتمن و سیلور [3] (۱۹۹۴) تدوین و در ایران توسط موسوی و رحیمی‌نژاد (۱۳۹۴) ترجمه و اعتبارسنجی شده است و شامل ۲۴ عبارت درباره جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی است که پاسخ‌دهنده به‌صورت «بله» یا «خیر» پاسخ می‌دهد؛ پاسخ «بله» ۱ امتیاز و پاسخ «خیر» صفر امتیاز دارد و دامنه نمرات از ۰ تا ۲۴ است .نمره ۸ به‌عنوان نقطه برش و نشان‌دهنده خطر طلاق عاطفی در نظر گرفته شده است؛ همچنین، نمرات بالاتر نشان‌دهنده احتمال بیشتر طلاق عاطفی است .در نسخه ایرانی، روایی آن تایید شد و پایایی پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است (موسوی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴؛ گاتمن و سیلور، ۱۹۹۴). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۹۱ به دست آمد.

داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی) و آمار استنباطی شامل آزمون همبستگی، تحلیل مسیر با نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس ۲۵ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از برنامه اسمارت پی‌ال‌اس –۳ تجزیه و تحلیل شد.

## یافته‌ها

یافته‌های دموگرافیک نشان دادند بیشترین تعداد افراد در نمونه، ۴۵ سال به بالا بودند (۹۰ نفر، ۴۵٪). پس از آن، گروه سنی ۴۰–۴۵ سال با ۵۹ نفر (۲۹/۵٪)، گروه ۳۵–۴۰ سال با ۳۶ نفر (۱۸٪)، و کمترین تعداد در گروه ۳۰–۳۵ سال با ۱۵ نفر (۷/۵٪) مشاهده شد. مدت‌زمان تحت پوشش شرکت‌کنندگان به سه دسته تقسیم می‌شود. بیشترین فراوانی مربوط به گروه بیش از ۴ سال با ۱۰۵ نفر (۵۲/۵٪ از کل نمونه) بود که بیانگر سابقه طولانی‌تر اکثریت شرکت‌کنندگان در سیستم تحت پوشش کمیته امداد است. گروه ۲ تا ۳ سال با ۶۳ نفر (۳۱/۵٪) و گروه ۱ تا ۲ سال با ۳۲ نفر (۱۶٪) در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. این داده‌ها حاکی از آن است که بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان تجربه بلندمدتی (بیش از ۴ سال) در این زمینه داشته‌اند. جدول زیر شاخص‌های توصیفی متغیرهای موردمطالعه را نشان می‌دهد.

1. The Differentiation Of Self Inventory (DSI-R)
2. Emotional Divorce Scale (EDS)
3 . Gottman & Silver

**جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه**

| متغیر | تعداد گویه | میانگین | انحراف معیار | کمینه | بیشینه |
|---|---|---|---|---|---|
| انتظارات زناشویی | ۳۲ | ۱۱۵/۰۲ | ۱۷/۶۷ | ۷۰/۰۰ | ۱۶۰/۰۰ |
| تمایزیافتگی | ۴۶ | ۱۸۸/۴۴ | ۳۳/۰۸ | ۱۰۴/۰۰ | ۲۶۷/۰۰ |
| طلاق عاطفی | ۲۴ | ۴۳/۳۶ | ۵/۴۰ | ۲۴/۰۰ | ۴۸/۰۰ |
| حساسیت بین‌فردی | ۳۶ | ۱۲۰/۱۳ | ۱۷/۴۱ | ۵۹/۰۰ | ۱۴۴/۰۰ |

جدول ۱ نشان می‌دهد متغیر انتظارات زناشویی دارای میانگین ۱۱۵/۰۲ و انحراف معیار ۱۷/۶۷، متغیر تمایزیافتگی دارای میانگین ۱۸۸/۴۴و انحراف معیار ۳۳/۰۸، متغیر طلاق عاطفی دارای میانگین ۴۳/۳۶ و انحراف معیار ۵/۴۰ و متغیر حساسیت بین‌فردی دارای میانگین ۱۲۰/۱۳ و انحراف معیار ۱۷/۴۱ می‌باشند. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین تمامی متغیرهای پژوهش است (p<۰/۰۱). بالاترین میزان همبستگی (۰/۸۵۲) بین تمایزیافتگی و انتظارات زناشویی مشاهده شد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. پس از آن، طلاق عاطفی با انتظارات زناشویی (۰/۷۸۵) و تمایزیافتگی (۰/۶۵۶) همبستگی مثبت و معناداری داشت. متغیر حساسیت بین‌فردی نیز بیشترین ارتباط را با تمایزیافتگی (۰/۷۵۵) و سپس با انتظارات زناشویی (۰/۶۴۳) نشان داد. کمترین ضریب همبستگی متعلق به رابطه بین حساسیت بین‌فردی و طلاق عاطفی (۰/۵۰۹) بود (p<۰/۰۱). برای آزمون صحت مدل نظری تحقیق و محاسبه ضرایب تأثیر از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بوسیله نرم افزار PLS استفاده شده است.

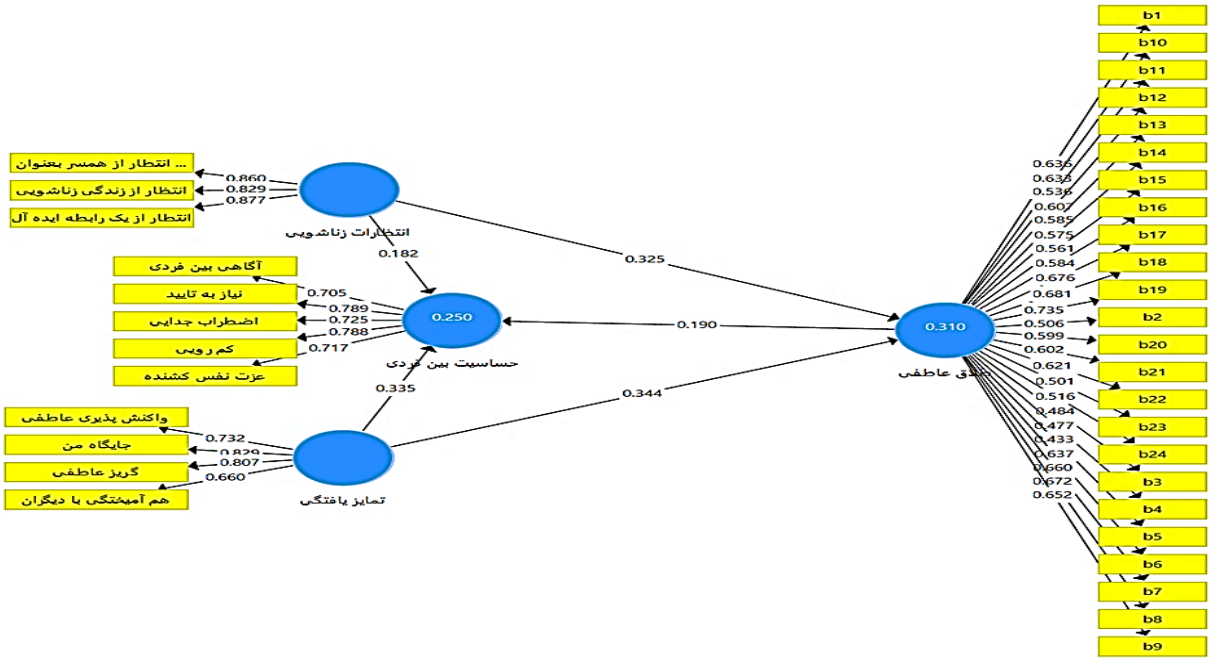


**شکل ۲. مدل پژوهش با ضرایب استاندارد شده بار عاملی (ارزیابی مدل‌های اندازه‌گیری)**

در تحلیل مدل اندازه‌گیری، متغیر انتظارات زناشویی با سه گویه، بالاترین بارهای عاملی را نشان داد (بین ۲۱/۱۷۹ تا ۲۷/۸۲۴، میانگین ۲۵/۳) که بیانگر روایی همگرای بسیار قوی است. متغیر حساسیت بین‌فردی با پنج گویه، بارهای عاملی کم‌تری داشت (از ۱۰/۲۸ تا ۲۱/۳۹، میانگین ۱۵/۶) که گویه «کم‌رویی» با بار ۲۱/۳۸۶ بیشترین تأثیر را نشان داد. تمایز یافتگی نیز با چهار گویه، بازه‌ای گسترده از بارهای عاملی (۱۱/۲۳۲ تا ۳۱/۷۷۴، میانگین ۲۰/۵) داشت و گویه «جایگاه من» با بار ۳۱/۷۷۴ به عنوان قوی‌ترین عامل شناسایی شد. این سه متغیر پیش‌بین، همگی از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بودند. اما در مورد متغیر وابسته «طلاق عاطفی» که شامل ۲۴ گویه است، بارهای عاملی به‌طور قابل توجهی پایین‌تر و پراکنده بودند (۱/۶۸۳ تا ۶/۱۶۴، میانگین

۹/۸) که نشان‌دهنده عملکرد ضعیف‌تر این سازه در مقایسه با متغیرهای دیگر است. در مجموع، مدل اندازه‌گیری از روایی همگرای مطلوبی برخوردار است، اما متغیر وابسته نیاز به بازبینی و بهبود دارد.

**جدول ۲. شاخص‌های پایایی و روایی واگرا مدل بیرونی**

| متغیرها | انتظارات زناشویی | تمایزیافتگی | طلاق عاطفی | حساسیت بین‌فردی | ضریب آلفای کرونباخ | ضریب پایایی ترکیبی | AVE | CR | $R^2$ | $Q^2$ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| انتظارات زناشویی | ۰/۸۵۵ | | | | ۰/۸۱۷ | ۰/۸۹۱ | ۰/۷۳۲ | ۰/۸۹۱ | – | – |
| تمایزیافتگی | ۰/۳۸۴ | ۰/۷۶۰ | | | ۰/۷۵۵ | ۰/۸۴۴ | ۰/۵۷۸ | ۰/۸۴۴ | – | – |
| طلاق عاطفی | ۰/۴۵۸ | ۰/۴۶۹ | ۰/۵۹۵ | | ۰/۹۲۰ | ۰/۹۲۸ | ۰/۵۴۰ | ۰/۹۲۸ | ۰/۳۱۰ | ۰/۲۱۷ |
| حساسیت بین‌فردی | ۰/۲۹۸ | ۰/۴۵۶ | ۰/۳۸۵ | ۰/۷۴۶ | ۰/۸۰۱ | ۰/۸۶۲ | ۰/۵۵۶ | ۰/۸۶۲ | ۰/۲۵۰ | ۰/۱۹۴ |

نتایج ارزیابی مدل اندازه‌گیری نشان داد که تمامی سازه‌ها از پایایی و روایی مطلوب برخوردارند؛ به‌طوری که ضرایب آلفای کرونباخ (۰/۷۵۵ تا ۰/۹۲۰) و پایایی ترکیبی (۰/۸۴۴ تا ۰/۹۲۸) همگی بالاتر از حد قابل‌قبول (۰/۷۰۰) بوده و بیشترین پایایی به طلاق عاطفی (=۰/۹۲۰α، =۰/۹۲۸CR) اختصاص داشت. همچنین، در همه سازه‌ها مقدار CR از AVE بیشتر بود و مقادیر AVE (۰/۵۹۵ تا ۰/۸۵۵) نیز از مربع بیشترین همبستگی بین سازه‌ها (حداکثر ۰/۲۱۹) فراتر رفت که بیانگر تأیید روایی همگرا و واگرای مدل است. ازسوی‌دیگر، طلاق عاطفی و حساسیت بین‌فردی به ترتیب ۳۱ و ۲۵ درصد از واریانس مدل را تبیین کردند و با مقادیر $Q^2$ برابر ۰/۲۱۷ و ۰/۱۹۴، از قدرت پیش‌بینی مناسب برخوردار بودند. در نهایت، با میانگین اشتراکات ۰/۳۳۵، میانگین $R^2$برابر ۰/۲۸۰ و شاخص برازش کلی GOF معادل ۰/۳۰۶، برازش کلی مدل پژوهش در سطح مطلوب و قوی تأیید شد.

$$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} \times \overline{R^2}} = \sqrt{0.335 \times 0.280} = 0.306$$

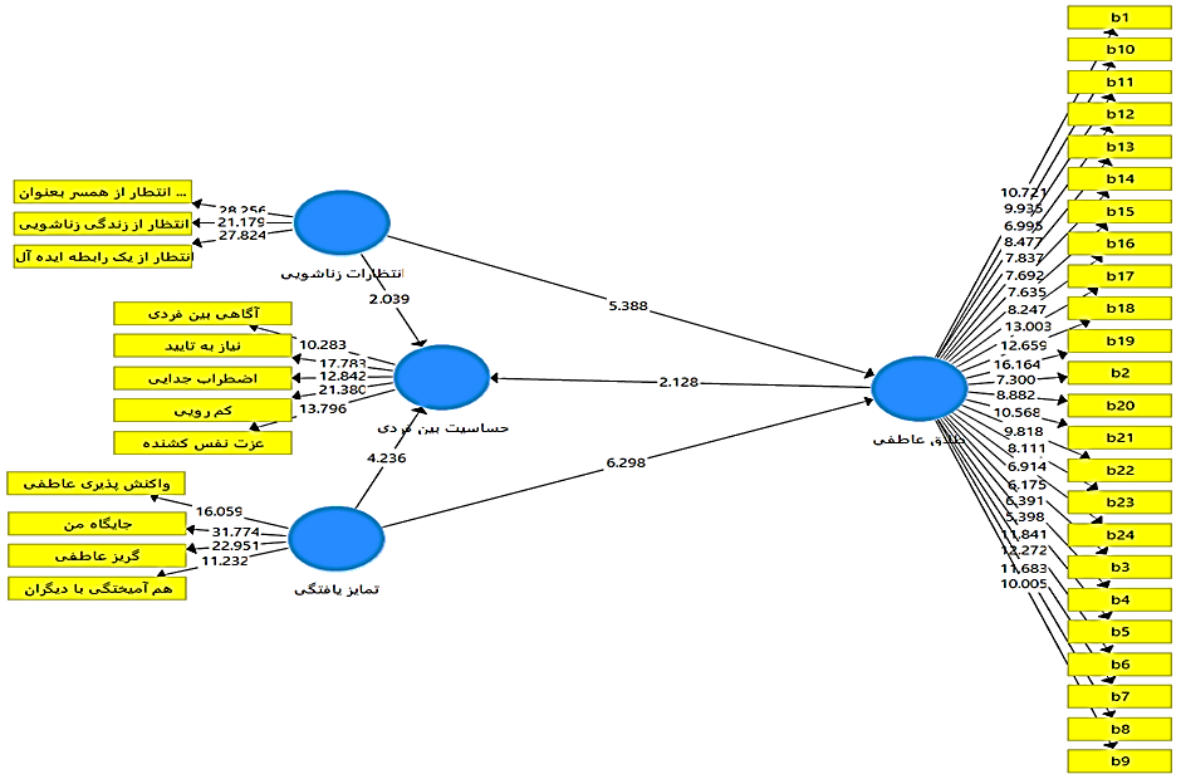


**شکل ۳. مدل ساختاری پژوهش با ضرایب t-Values**

باتوجه‌به نتایج مدل فوق مقادیر t محاسبه شده بین تمامی متغیرهای مستقل و وابسته موجود در مدل بزرگ‌تر از ۱/۹۶ بوده و در سطح ۹۵ درصد معنادار هستند و بعبارتی مناسب بودن مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

**جدول ۳. تحلیل نتایج فرضیه ۱ و۲**

| نوع تأثیر/رابطه | ضریب مسیر | عدد معناداری (آماره تی) | جهت رابطه | نتیجه |
|---|---|---|---|---|
| انتظارات زناشویی←حساسیت بین‌فردی | ۰/۱۸۲ | ۲/۰۳۹ | مثبت و مستقیم | تأیید |
| تمایزیافتگی ←حساسیت بین‌فردی | ۰/۳۳۵ | ۴/۲۳۶ | مثبت و مستقیم | تأیید |

نتایج آماری نشان می‌دهد انتظارات زناشویی تأثیر مثبت و معناداری بر حساسیت بین‌فردی دارد (β=۰/۱۸۲ ،t=۲/۰۳۹)، بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. همچنین، تمایزیافتگی نیز به طور معناداری باعث افزایش حساسیت بین‌فردی می‌شود (β=۰/۳۳۵) و فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد. علاوه بر اثرات مستقیم، انتظارات زناشویی و حساسیت بین‌فردی از طریق طلاق عاطفی به صورت غیرمستقیم نیز بر یکدیگر تأثیرگذارند که این تأثیر با آزمون سوبل بررسی شده است.

**جدول ٤. تحلیل نتایج فرضیه ۳ و ٤**

| مقدار آماره سوبل | سطح معناداری | میزان تأثیر: تأثیر مستقیم | میزان تأثیر: تأثیر غیرمستقیم | میزان تأثیر: تأثیر کل | نتیجه آزمون |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱/۹۷۹ | ۰/۰۴۷ | ۰/۱۸۲ | ۰/۰۶۱ | ۰/۲۴۳ | تأیید شد |
| ۲/۰۱۶ | ۰/۰۴۳ | ۰/۳۳۵ | ۰/۰۶۵ | ۰/۴۰۰ | تأیید شد |

آزمون سوبل نشان داد که طلاق عاطفی نقش میانجی معناداری در رابطه بین انتظارات زناشویی و حساسیت بین‌فردی دارد (تأثیر غیرمستقیم = ۰/۰۶۱، تأثیر کل = ۰/۲۴۳)، بنابراین فرضیه سوم تأیید شد. همچنین، طلاق عاطفی به‌عنوان میانجی در رابطه بین تمایزیافتگی و حساسیت بین‌فردی نیز تأثیر غیرمستقیم معنادار دارد (آماره سوبل = ۲/۰۱۶، p<۰/۰۵، تأثیر غیرمستقیم = ۰/۰۶۵، تأثیر کل = ۰/۴۰۰) و بدین ترتیب فرضیه چهارم نیز تأیید می‌شود (شکل ۴).

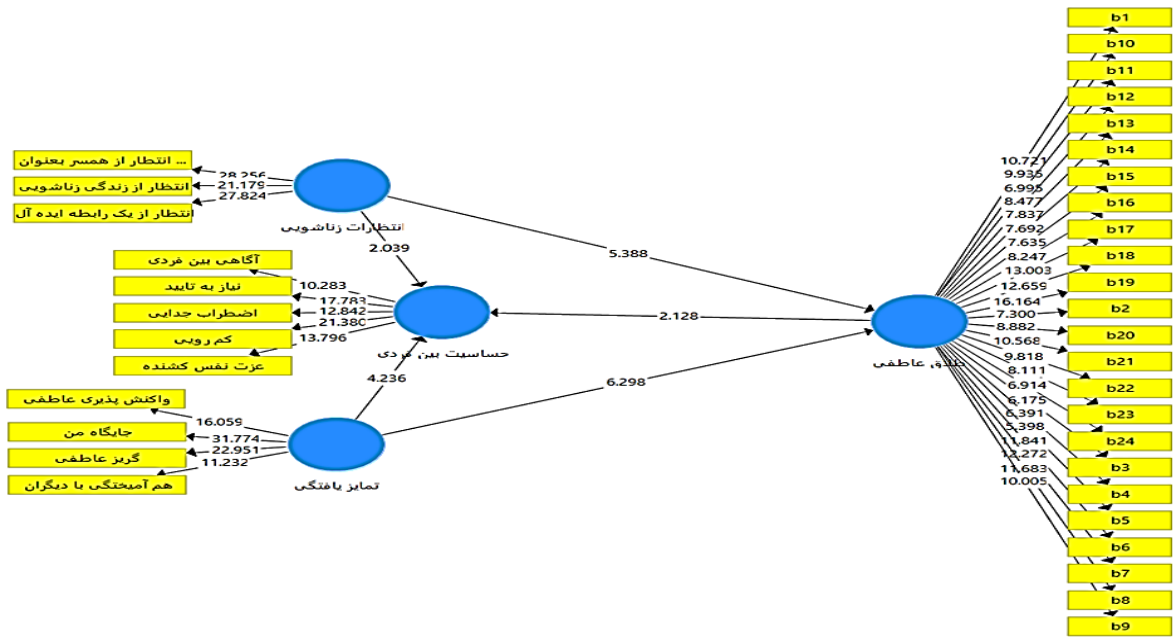


**شکل ٤. مدل نهایی پژوهش**

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی با نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی بر حساسیت بین‌فردی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج بود. یافته‌ها نشان دادند که انتظارات زناشویی تأثیر مستقیم و معناداری بر حساسیت بین‌فردی دارد. این نتیجه با پژوهش پورمحسنی کلوری و همکاران (۱۴۰۰) همسو و با پژوهش امینی و آزرمی (۱۴۰۲) ناهمسو است که تفاوت نمونه‌گیری و تعاریف عملیاتی متغیرها احتمالاً عامل این اختلاف است. در تبیین آن می‌توان بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین (بایس و پارکر، ۱۹۸۹) گفت که انتظارات زناشویی از تفسیر رفتار و بازخوردهای اجتماعی شکل می‌گیرند و انتظارات غیرواقع‌بینانه باعث افزایش حساسیت بین‌فردی می‌شود که ناشی از ترس از طرد و انتقاد است. این پژوهش نشان می‌دهد که انتظارات زناشویی زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) در یاسوج، تأثیر مستقیم بر حساسیت بین‌فردی آن‌ها دارد. انتظارات واقع‌بینانه و مثبت باعث تقویت ارتباط مؤثر با همسر و کاهش حساسیت و تعارضات می‌شود، در حالی که انتظارات برآورده‌نشده، ناشی از ضعف مهارت‌های ارتباطی یا اختلافات، حساسیت و مشکلات ارتباطی را افزایش می‌دهد. حساسیت بین‌فردی شاخص مهم سلامت روانی–زناشویی است که افزایش آن می‌تواند تنش‌ها را شدت بخشد.

بعلاوه، پژوهش حاضر نشان داد که تمایزیافتگی تأثیر معناداری بر حساسیت بین‌فردی دارد (تأیید فرضیه دوم)؛ یافته‌های این مطالعه با نتایج تحقیقات پیشین از جمله پژوهش‌های علیجانی، نجفی و نظری (۱۴۰۱)، پورمحسنی کلوری و همکاران (۱۴۰۰)، خسروی و همکاران (۱۴۰۰) و کلتا و مروز (۲۰۲۳) هم‌راستا است. در تبیین این یافته می‌توان به نظریه سیستم‌های خانواده بوئن اشاره کرد که بر اساس آن، تمایزیافتگی پایین با وابستگی هیجانی، ناتوانی در تفکیک احساس از فکر، و در نتیجه افزایش حساسیت به بازخوردهای منفی و نیاز به تأیید دیگران همراه است. افراد با تمایزیافتگی پایین در مواجهه با تعارضات، هیجانات خود را به‌طور نامتعادل ابراز می‌کنند که این امر منجر به افزایش حساسیت بین‌فردی می‌شود (کلتا و مورز[1]، ۲۰۲۳: ۳۶۳). این مطالعه نشان می‌دهد که تمایزیافتگی، یعنی توانایی حفظ استقلال هیجانی و فکری در روابط نزدیک، نقش مهمی در کاهش حساسیت بین‌فردی زنان تحت حمایت کمیته امداد در یاسوج دارد. زنان با تمایزیافتگی بالا هیجانات خود را بهتر مدیریت می‌کنند و تصمیم‌های منطقی‌تری می‌گیرند. در مقابل، افراد با تمایزیافتگی پایین بیشتر تحت تأثیر هیجانات و نیازمند تأیید دیگران هستند. بنابراین، ارتقای تمایزیافتگی می‌تواند به بهبود سلامت روان و روابط اجتماعی زنان کمک کند.

علاوه‌برآن، یافته‌های پژوهشی نشان دادند طلاق عاطفی در رابطه بین انتظارات زناشویی و حساسیت بین‌فردی نقش میانجی دارد (تأیید فرضیه سوم). این یافته با نتایج مطالعات قبلی هم‌چون حبیبی و همکاران (۱۴۰۱)، پورمحسنی کلوری و همکاران (۱۴۰۰)، خسروی و همکاران (۱۴۰۰)، خان‌محمدی و همکاران (۱۳۹۷) و رشید، عمرو و فهد (۲۰۲۱) هم‌راستا است. از منظر نظری، طبق نظریه مثلث عشق استرنبرگ، عدم تحقق مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد (در نتیجه انتظارات برآورده‌نشده) منجر به طلاق عاطفی می‌شود (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۸). این نوع طلاق که نوعی گسست هیجانی در روابط است، زمینه‌ساز افزایش حساسیت بین‌فردی در تعاملات زناشویی است. همچنین، این روند با نظریه مراحل روابط مارک نپ نیز مطابقت دارد، که طلاق عاطفی را نتیجه مراحل «محدودسازی» و «بی‌روح شدن رابطه» می‌داند (رشید و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعه حاضر نشان می‌دهد که در میان زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) در یاسوج، انتظارات زناشویی از طریق طلاق عاطفی به‌صورت غیرمستقیم بر حساسیت بین‌فردی تأثیر می‌گذارد. زمانی که انتظارات زناشویی برآورده نمی‌شود، به‌تدریج نارضایتی و در نهایت طلاق عاطفی (یعنی فاصله‌گیری عاطفی بدون جدایی قانونی) شکل می‌گیرد. این وضعیت موجب می‌شود زنان نسبت به رفتار و گفتار همسر خود حساس‌تر شده و در نتیجه تنش‌ها در روابط زناشویی افزایش یابد. در نتیجه، پیشگیری از طلاق عاطفی و کاهش حساسیت بین‌فردی مستلزم ارتقای مهارت‌های حل تعارض و واقع‌بینانه‌سازی انتظارات زناشویی است.

1. Kaleta, & Mróz

بعلاوه، این پژوهش نشان داد که طلاق عاطفی نقش میانجی معناداری در رابطه بین تمایزیافتگی و حساسیت بین‌فردی ایفا می‌کند (تأیید فرضیه چهارم). یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین (امینی و آزرمی، ۱۴۰۲؛ علیجانی و همکاران، ۱۴۰۱؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۹؛ کلتا و مروز، ۲۰۲۳) همخوانی دارد. این هم‌راستایی با چارچوب نظری دلبستگی بالبی قابل تبیین است: افرادی با تمایزیافتگی پایین که اغلب دارای سبک دلبستگی اضطرابی یا اجتنابی‌اند، الگوهای درونی منفی مانند ترس از طرد یا احساس بی‌کفایتی را در روابط زناشویی بروز می‌دهند (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۸). این الگوها مستعد شکل‌گیری طلاق عاطفی هستند که به نوبه خود حساسیت بین‌فردی را تشدید می‌کند (خسروی و همکاران، ۱۳۹۹). از منظر نظریه انتقال بین‌نسلی، نگرش مثبت به طلاق که از الگوهای ناپایدار خانوادگی نشأت می‌گیرد، می‌تواند چرخه طلاق عاطفی و حساسیت را تداوم بخشد (بیات‌مختاری، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، بر اساس نظریه دلبستگی و مکانیسم‌های هیجانی، افراد با تمایزیافتگی بالا توانایی بیشتری در تنظیم هیجانی دارند. این توانایی با کاهش واکنش‌پذیری نورونی در ناحیه آمیگدال و افزایش فعالیت قشر پیش‌پیشانی همراه است، که آن را به راهبردی کارآمد در مدیریت تنش‌های بین‌فردی به طور مستقیم تبدیل می‌کند (ویسوالینگام و همکاران، ۲۰۲۴). در بُعد غیرمستقیم، طلاق عاطفی به‌عنوان مکانیسم انطباقی، امکان فاصله‌گیری موقت از روابط آسیب‌زا را فراهم می‌سازد. این سازوکار با مدل سازگاری هیجانی (هو و همکاران، ۲۰۱۹) هم‌راستا است. در سطح خانواده، مطابق نظریه سیستم‌های خانواده بوئن، تمایزیافتگی پایین با الگوهای ارتباطی ناکارآمد مانند مثلث‌سازی و برون‌ریزی هیجانی مرتبط است که می‌تواند به‌صورت بین‌نسلی منتقل شود (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۱). طلاق عاطفی مزمن در این شرایط به تعمیق چرخه‌های اجتنابی و اضطرابی منجر می‌شود، به‌ویژه در زنان با حمایت اجتماعی محدود. از منظر اجتماعی–اقتصادی، عواملی مانند فشار مالی و فرهنگی و دسترسی محدود به حمایت اجتماعی، ظرفیت افراد را برای تنظیم هیجانی و مقابله با استرس تضعیف می‌کند (مصلایی راد و ملکیان، ۱۴۰۲). بنابراین، تمایزیافتگی، از طریق خودتنظیمی هیجانی و فاصله‌گیری سازنده، نقش کلیدی در کاهش حساسیت بین‌فردی ایفا می‌کند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بوده که اعتبار و تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد. محدودیت در دسترسی به جامعه هدف منجر به نمونه‌گیری غیرتصادفی شده و امکان تعمیم نتایج را محدود کرده است. همچنین، حساسیت موضوعاتی مانند طلاق عاطفی ممکن است باعث پاسخ‌های ناصادقانه و تحریف داده‌ها شده باشد. وجود متغیرهای کنترل‌نشده مانند وضعیت روانی و حمایت اجتماعی نیز می‌تواند نتایج را تحت‌تأثیر قرار داده باشد. تمرکز پژوهش بر گروهی با ویژگی‌های خاص فرهنگی و اقتصادی، تعمیم نتایج به دیگر جوامع را دشوار می‌سازد. افزون بر این، ماهیت مقطعی مطالعه امکان بررسی تغییرات بلندمدت را فراهم نکرده و نتایج تنها وضعیت کنونی نمونه را نشان می‌دهد.

باتوجه‌به یافته‌های پژوهشی پیشنهاد می‌شود طراحی برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای بر تقویت مهارت‌هایی مانند تمایزیافتگی، مدیریت هیجان، ارتباط مؤثر و حل تعارض تمرکز داشته باشند. این برنامه‌ها باید با هدف تنظیم انتظارات واقع‌بینانه زناشویی و افزایش خودآگاهی زنان، به‌ویژه در جوامع آسیب‌پذیر، اجرا شوند. همچنین، ادغام موضوع طلاق عاطفی در مداخلات روان‌شناختی و ارائه خدمات مشاوره فردی و گروهی می‌تواند به شناسایی زودهنگام و تعدیل این پدیده کمک کند. حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق سیاست‌های جامع، نظیر کاهش فشارهای مالی و تقویت شبکه‌های حمایتی، نقش کلیدی در بهبود کیفیت زندگی زنان دارد. ایجاد فضای امن برای بیان تجربیات و همکاری با متخصصان روان‌شناسی نیز در کاهش حساسیت بین‌فردی مؤثر است. ارزیابی مستند برنامه‌های حمایتی و فرهنگ‌سازی عمومی درباره اهمیت روابط سالم زناشویی از دیگر راهکارهای ضروری است. بعلاوه، انجام مطالعات طولی و بررسی تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی، تحصیلی و جنسیتی بر انتظارات زناشویی و طلاق عاطفی پیشنهاد می‌شود. مطالعات آینده باید به نقش متغیرهای واسطه‌ای مانند استرس و حمایت اجتماعی پرداخته و با مقایسه گروه‌های مختلف اجتماعی (مانند زنان شاغل و خانه‌دار)، برنامه‌های حمایتی هدفمندتری طراحی کنند.

## ملاحظات اخلاقی

شرکت آزمودنی‌ها در این طرح با رضایت کامل انجام شد و دقت لازم در زمینه محرمانه بودن اطلاعات پرسش‌نامه‌های تکمیلی توسط افراد اعمال شد. به این منظور اطلاعات مربوط به این افراد بدون نام و تنها با کد شناساننده مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. همچنین به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات پرسش‌نامه‌ها فقط مورداستفاده پژوهشی قرارخواهد گرفت.

## تعارض منافع

در این پژوهش تعارض منافعی وجود ندارد.

## تشکر و قدردانی

از کمیته امداد امام خمینی یاسوج و شرکت‌کنندگان پژوهش قدردانی می‌شود؛ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «پیش‌بینی حساسیت بین‌فردی بر اساس انتظارات زناشویی و تمایزیافتگی با نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی در زنان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) یاسوج» با کد ۱۶۲۹۰۳۴۹۷ بوده است و بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

## منابع


- امیدوار، بنفشه، فاتحی‌زاده، مریم‌السادات، و احمدی، سیداحمد. (۱۳۸۸). بررسی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج شهر شیراز. *مجله خانواده‌پژوهی، ۵*(۱۸)، ۲۳۱–۲۴۶. https://doi.org/10.22059/famj.2013.42383
- امینی، شراره، و آزرمی، هاله. (۱۴۰۲). رابطه پیوند والدینی و عملکرد جنسی با میانجی‌گری حساسیت بین‌فردی. *فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی، ۲۰*، ۱–۱۶. https://jnip.ir/article-1-895-en.pdf
- ایزدی، مهوش، طهمورسی، نیلوفر، حسین‌زاده تقوایی، مرجان، صفاری‌نیا، مجید، و قراملکی، صبحی. (۱۴۰۴). مدل ساختاری انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر اساس صمیمیت خانواده و سازگاری اجتماعی با میانجی‌گری بهزیستی اجتماعی در زنان مطلقه. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۵* (۵۸)، ۲۰۳–۲۱۶. https://doi.org/10.22034/spr.2025.483743.2010
- برادران، مجید، میرزایی ملاطی، مائده، پارسامهر، نسرین، و طهماسبی، مریم. (۱۴۰۰). استرس، تنظیم‌شناختی هیجان و احساس معنا در زنان دانشجو طی پاندمی کووید–۱۹: یک مطالعه مقطعی مبتنی بر وب. *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ۳۰*(۱۱۹)، ۲۴۶–۲۵۷. https://doi.org/10.32598/JGUMS.30.119.246
- پاشاشریفی، حسن، معنوی‌پور، داود، و عسکری، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود (DSI-R). *فصلنامه روان‌شناسی صنعتی/سازمانی، ۵*(۱، پیاپی ۱۶)، ۷–۱۸. https://psy.garmsar.iau.ir/
- پورمحسنی کلوری، فرشته، ظهری، نگار، عطادخت، اکبر، و مولائی، مهری. (۱۴۰۰). نقش ابعاد تاریک شخصیت، تمایزیافتگی و نقش‌های جنسیتی در پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی. *نشریه روان‌شناسی خانواده، ۶*(۲)، ۴۳–۵۶. https://doi.org/10.29252/ijfp.6.2.43
- حبیبی، بهاره، شیرمردی، سارا، شیرالی‌نیا، خدیجه، و فتحی، کیهان. (۱۴۰۱). نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای اساسی روان‌شناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، ۹*(۳)، ۱۰۳۹–۱۰۴۸. https://doi.org/10.34172/jjgmu.2021.108
- خان‌محمدی، ذبیح‌الله، بزازیان، سعیده، امیری مجد، مجتبی، و قمری، محمد. (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده. *روان‌شناسی خانواده، ۵*(۱)، ۱۷–۳۰. https://doi.org/10.22055/jfs.2017.12345
- خرم‌نیا، صمد، طاهری، امیرعباس، محمدپور، محسن، فروغی، علی‌اکبر، و کریم‌زاده، یاسمن. (۱۴۰۰). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر حساسیت بین‌فردی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دانشجویان مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی: یک مطالعه کارآزمایی بالینی. *مجله روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۸*(۱)، ۱۵–۲۷. https://doi.org/10.32598/JCP.8.1.15

- خسروی، جهان‌بخش، مرادی، امید، احمدیان، حمزه، و یوسفی، ناصر. (۱۴۰۰). مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس تمایزیافتگی خود با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی. *زن و جامعه، ۱۲*(۲)، ۱۵۹–۱۷۲. https://www.jws.ir
- خسروی، راضیه، کربلایی هرفته، فاطمه صغری، و فردین، محمدعلی. (۱۴۰۳). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با تأکید بر آموزه‌های دین اسلام بر حالات روان‌شناختی مثبت و طلاق عاطفی همسران خانواده‌های ایثارگر. *طب نظامی، ۲۶*(۲)، ۲۲۲۷–۲۲۳۷. https://jmu.afmu.ac.ir
- خطیبی، اعظم، و خدرایی، پریسا. (۱۴۰۴). مقایسه کیفیت زندگی و رضایت از زندگی زنان سرپرست خانواده وام اشتغال‌زایی گرفته با زنان سرپرست خانواده وام اشتغال‌زایی نگرفته (در حال چاپ). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*. https://ssoss.ui.ac.ir/article_29607.html
- دلاور، علی. (۱۴۰۲). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی* (ویراست پنجم). تهران: انتشارات ویرایش. https://book.ir
- رجبی، غلامرضا، و خان‌زاده، عاتکه. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر انتظارات زناشویی ایده‌آل‌گرایانه بر کاهش انتظارات زناشویی ایده‌آل‌گرایانه در زوج‌های متقاضی ازدواج: یک مطالعه تک موردی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱۲*(۴۳)، ۱۴–۳۰. https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_4713.html
- رئیسی، لیلا، قاسمی، زهرا، و سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۴۰۲). تدوین بسته آموزشی پیشگیری از طلاق عاطفی زوجین مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۷*(۳۳)، ۱۱۹–۱۴۹. https://islamicpsy.rihu.ac.ir/article_2057.html
- زکی‌خانی، نسیم، شیرالی‌نیا، خدیجه، و عباس‌پور، ذبیح‌الله. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان مطلقه و سرپرست فرزند: یک پژوهش کیفی. *فصلنامه فرهنگی ـ تربیتی زنان و خانواده، ۱۹*(۶۸)، ۱۱۵–۱۳۷. https://jcf.khu.ac.ir
- علیجانی، فاطمه، نجفی، شهناز، و نظری، فاطمه. (۱۴۰۱). نقش سرمایه روان‌شناختی و تمایزیافتگی خود در پیش‌بینی طلاق عاطفی در معلمان زن شهر زنجان. *مدیریت ارتقای سلامت، ۱۱*(۴)، ۱۲–۲۳. https://doi.org/10.29252/sprm.11.4.12
- گنجیان، آمنه، مردانی، زهرا، و ذاکری نصرآبادی، زهرا. (۱۴۰۴). مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایزیافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۵*(۵۸)، ۱۰۱–۱۲۴. https://doi.org/10.22034/spr.2025.497177.2053
- محمدیان، زینب، بهرامی، فاطمه، گودرزی، کوروش، و صادقی، مسعود. (۱۳۹۸). اثربخشی رویکرد تلفیقی روایت‌درمانی و ایماگوتراپی بر انتظارات زناشویی در داوطلبان ازدواج. *روان پرستاری، ۷*(۶)، ۶۴–۷۱. https://doi.org/10.30483/jps.2018.25482
- مصلایی‌راد، سارا، و ملکیان، نازنین. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین ارتباطات میان‌فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱*(۱۷)، ۸۳–۱۰۵. https://jspi.khu.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-2717-1&slc_lang=fa&sid=1
- موسوی، سیده فاطمه، و رحیمی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۴). مقایسه منزلت‌های هویت بین‌فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۶*(۱)، ۱۱–۲۳. https://doi.org/10.22059/japr.2015.54571
- مهرابی، محبوبه، هاشم‌زهی، نوروز، و رونقی نوتاش، مهناز. (۱۴۰۱). تبیین ارتباط نوع ارزش‌های جنسیتی خانوادگی با طلاق و ارائه راهکاری مبتنی بر سبک زندگی اسلامی در دیدگاه رهبری (مقایسه زنان مطلقه و غیرمطلقه دارای طلاق عاطفی شهر بندرعباس). *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶*(۴)، ۶۲۱–۶۳۲. https://www.islamiilife.com/article_185981.html
- میری، مینو، قاسمی، سیدعلیرضا، کدخدا، مرتضی، خسروی، حسین، خسروی چاهک، محمدامیر، و صفاری، سیدمصطفی. (۱۴۰۳). تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) از کارکردهای سرمایه‌های روان‌شناختی در بهبود سلامت روان. *روان‌پرستاری، ۱۲*(۴)، ۱۳–۲۴. http://ijpn.ir/article-1-2434-en
- نامنی، ابراهیم، و صالحی، ملیحه. (۱۴۰۳). ارزیابی مدل کیفیت زندگی بر اساس مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با میانجی‌گری حمایت اجتماعی ادراک‌شده و باورهای مذهبی در زنان سرپرست خانوار. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۴*(۵۶)، ۷۵–۹۶. https://doi.org/10.22034/spr.2025.470976.1970

- Bilgin, O. (2020). Relationship between interpersonal sensitivity and psychological resilience. *International Online Journal of Educational Sciences, 12*(5), 1–11. https://doi.org/10.26404/iojes-2020-5-1
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. Jason Aronson. https://murraybowenarchives.org/books/family-therapy-in-clinical-practice/?utm_source=chatgpt.com
- Boyce, P., & Parker, G. (1989). Development of a scale to measure interpersonal sensitivity. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry, 23*, 341–351. https://doi.org/10.1177/000486748902300313
- Calatrava, M., Martins, M. V., Schweer-Collins, M., Duch-Ceballos, C., & Rodríguez-González, M. (2022). Differentiation of self: A scoping review of Bowen family systems theory's core construct. *Clinical Psychology Review, 91*, Article 102101. https://doi.org/10.1016/j.cpr.2021.102101
- Gottman, J. M., & Silver, N. (1994). *Why marriages succeed or fail: What you can learn from the breakthrough research to make your marriage last*. Simon & Schuster. https://books.google.com/books/about/Why_Marriages_Succeed_Or_Fail.html?id=1iGaAAAAIAAJ&utm_source=chatgpt.com
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication, and marital satisfaction: An analysis based on the actor–partner interdependence model. *International Journal of Psychology, 54*(3), 369–376. https://doi.org/10.1002/ijop.12465
- Kaleta, K., & Mróz, J. (2023). How forgiveness relieves anxiety: The role of differentiation of self. *Journal of Beliefs & Values, 44*(3), 363–378. https://doi.org/10.1080/10664807.2023.2214567
- Klipper, R. A. (2020). *The relationship between religious affiliation, marital expectations and satisfaction in Orthodox Jewish women* (Doctoral dissertation). *Dissertation Abstracts International: Section B, 81*(12-B). https://www.proquest.com
- Kramer, U., Beuchat, H., Grandjean, L., Seragnoli, F., Djillali, S., Choffat, C., ... & de Roten, Y. (2022). Lessening of the pervasiveness of interpersonal patterns in borderline personality disorder explains symptom decrease after treatment: A process analysis. *Journal of Clinical Psychology, 78*(5), 772–784. https://doi.org/10.1002/jclp.23258
- Loehlin, J. C., & Beaujean, A. A. (2017). *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis*. Routledge. https://www.routledge.com/Latent-Variable-Models/Loehlin-Beaujean/p/book/9780415836596
- Ngo-Thi, T. T., Huynh, V. S., Dang-Thi, N. T., Nguyen-Duong, B. T., Vu-Nguyen, T. T., Nantachai, G., ... & Tran-Chi, V. L. (2022). Mediation effects of premarital sexual permissiveness on the relationship between expectations for marriage and marital intention of Vietnamese undergraduate students. *Psychology Research and Behavior Management, 15*, 3513–3530. https://doi.org/10.2147/PRBM.S385678
- Rasheed, A., Amr, A., & Fahad, N. (2021). Investigating the relationship between emotional divorce, marital expectations, and self-efficacy among wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce & Remarriage, 62*(1), 19–40. https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1864385
- Razvaliaeva, A. Y., & Polskaya, N. A. (2023). The relationship between interpersonal sensitivity and emotion regulation in youths. *European Journal of Psychology Open, 82*(4), 171–179. https://doi.org/10.59936/ejpo.824171
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology, 45*(3), 235–246. https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235
- Visvalingam, S., Magson, N. R., Newins, A. R., & Norberg, M. M. (2024). Going it alone: Examining interpersonal sensitivity and hostility as mediators of the link between perfectionism and social disconnection. *Journal of Personality, 92*(4), 1024–1036. https://doi.org/10.1111/jopy.12987